



آسیب شناسی تربیت اخلاقی فرزندان در خانواده و راهکارهای رفع آن از منظر اسلام

منیژه عاملی^۱

چکیده

تربیت اخلاقی فرزندان به عنوان یکی از مهم ترین وظایف خانواده در نظام تربیتی اسلام است که نقش حیاتی در شکل گیری هویت دینی آنها ایفا می کند و زمینه ساز حفظ سلامت اخلاقی و تربیتی افراد در جامعه است. باتوجه به اینکه در عصر حاضر چالش ها و آسیب های فرهنگی و اجتماعی سبب بروز نابسامانی ها، اختلالات تربیتی و اخلاقی در خانواده می گردد؛ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی درصدد آسیب شناسی تربیت اخلاقی در خانواده است تا با شناسایی علل نقصان و ارائه راهکارهای پیشگیرانه به درمان مناسب آسیب ها در فرایند تربیت اخلاقی فرزندان بپردازد. بطور کلی آسیب ها به دو شکل "درون خانوادگی" و "برون خانوادگی" پدید می آیند؛ نقصان در باور و معرفت دینی، شیوه های نادرست تربیتی، اختلافات خانوادگی و غفلت از مراحل رشد اخلاقی فرزندان از جمله آسیب های درونی است که موجب اختلال در تربیت اخلاقی می گردد. بسیاری از آسیب های بیرونی نیز با تأثیرگذاری رسانه ها و شبکه های اجتماعی، کم بازدهی نظام آموزشی، گروه همسالان ناباب و سبک زندگی مادی گرا پدید می آیند. اسلام در مواجهه با این چالش ها به ارائه راهکارهای موثر و عملی پرداخته است که راهکارهای "باورمند"، "روشمند" و نیز "نظام مند" می تواند موجب ارتقای سطح رفتارهای اخلاقی و تربیت افراد در خانواده و جامعه شود. نتایج این پژوهش بیانگر آن است که بازگشت به اصول تربیت اسلامی و هماهنگی میان خانواده ها، نهادهای آموزشی و پرورشی و نیز سیاست های کلان فرهنگی و اجتماعی می تواند زمینه ساز تربیت اخلاقی پایدار در میان افراد جامعه گردد. به عبارت دیگر تربیت اخلاقی موثر در گرو همکاری همه جانبه، فعال و مبتنی بر مبانی اصیل اخلاق اسلامی در جامعه است که "خانواده" را مرکز توجه قرار می دهد.

واژگان کلیدی

تربیت اخلاقی، آسیب شناسی، خانواده، اسلام، آسیب های بیرونی، راهکارهای تربیتی

^۱ - استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه زنجان



مقدمه

تربیت اخلاقی یکی از اساسی ترین موضوعات در نظام تربیت دینی است. این روش تربیتی با شناسایی مفاهیم تربیتی و ارائه معیارهای درست اخلاقی، زمینه شکوفایی و بروز رفتارهای اخلاقی را در افراد پدید می آورد. (مطهری ۱۳۸۲، ص ۸۲)

تربیت اخلاقی عامل اصلی شکل گیری شخصیت مسئولیت پذیر است که به انسان هویت بخشیده و زمینه سعادت فردی و اجتماعی او را فراهم می سازد. در میان نهادهای اجتماعی خانواده نقش مهمی در پرورش فضایل اخلاقی و انتقال فرهنگ دینی به فرزندان ایفا می کند.

از دیدگاه اسلام، خانواده جایگاه ارزشمندی دارد و رسالت والدین این است که فرزندان را در محیط سالم و اخلاقی پرورش دهند تا به سعادت دنیوی و اخروی دست یابند. (فرقان/۷۴)

با این حال برخی دگرگونی ها و چالش های فرهنگی و اجتماعی، بویژه آسیب های برخاسته از اندیشه های نوین دوران مدرنیته سبب بروز مشکلات جدی در فرایند تربیت اخلاقی فرزندان گردیده و کارآمدی نقش خانواده را با اختلال مواجه ساخته است. پدیده هایی چون تهاجم فرهنگی بیگانه، گسترش و استفاده بی رویه از فناوری های ارتباطی، عدم قانونمندی و نظارت فضاهای مجازی، رواج سبک زندگی های تجملی و مصرف گرا، چالش های نوظهور و پیچیده ای هستند که فراروی خانواده ها فرایند تربیتی فرزندان را مختل می نماید؛ لذا شناخت هر یک از این آسیب ها ما را برای ارائه راهکارهای موثر کارآمد آماده می سازد.

لزوم یک آسیب شناسی عمیق و نظام مند در حوزه تربیت اخلاقی و تعریف، شناسایی و دسته بندی آسیب ها در این عرصه به شدت احساس می گردد.

بحث از آسیب شناسی تربیت اخلاقی به منظور شناسایی و ارزیابی آسیب هایی است که اهداف و روش های این حوزه تربیتی را متزلزل می کند و در ادامه با سنجش میزان اثرگذاری منفی آنها بر عملکرد مربی و اختلال رفتاری و اخلاقی مربی، درصد ارائه راهکارهایی برای بهبود و رفع موانع و مشکلات در فرایند تربیت و رشد اخلاقی برمی آیم.

این پژوهش بر آن است تا اتکا به مبانی و اصول تربیت در اخلاق اسلامی به این پرسش پاسخ گوید که مهمترین آسیب های فراروی تربیت اخلاقی فرزندان کدامند و چه راهکارهایی را می توان برای پیشگیری و رفع این آسیب ها یافت؟

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی پس از تبیین مفاهیم کلیدی چون "آسیب شناسی"، "تربیت اخلاقی" و "جایگاه خانواده در اسلام" به این مسئله می پردازد که بخشی از این آسیب ها درونی و برخاسته از ساختار خانواده اند؛ آسیب هایی چون "نقصان باورهای دینی"، "شیوه های نادرست تربیتی"، "اختلال در روابط والدین با یکدیگر و فرزندان" و "بی توجهی به مراحل رشد اخلاقی فرزندان" را می توان به عنوان مهمترین چالش های فراروی خانواده مورد ارزیابی قرار داد.



گاهی نیز آسیب‌ها اجتماعی اند؛ نظیر "تأثیر رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی"، "کارکرد ضعیف نظام آموزشی"، "تأثیر منفی دوستان ناباب" و "چیرگی سبک زندگی مادی گرا بر فرهنگ خانواده‌های اصیل ایرانی-اسلامی".

در این نوشتار بر آنیم تا ضمن شناسایی هر یک از این آسیب‌ها، رفت از آنها را دریابیم؛ پس راهکارهایی برای رفع آسیب‌ها در سه سطح راهبردی اعتقادی، روشی و مدیریتی ارائه می‌گردد.

راهکارهای "باورمند" تاکید بر "تقویت باورهای ایمانی"، "واکاوی نظام اخلاق اسلامی" و "تربیت منطبق بر فطرت الهی انسان" به عنوان مهم‌ترین عوامل موثر برای اصلاح تقویت بنیان تربیت اخلاقی در خانواده محسوب می‌شوند.

در بُعد "روشمند" نیز "بهره‌گیری از الگوهای قرآنی و دینی"، "تعامل سازنده والدین با فرزندان" و "تربیت مستمر و گام به گام" مورد توجه است.

در نهایت نیز راهکارهای "نظام‌مند" چون "اصلاح و نظارت بر مناسبات اجتماعی"، "تقویت نهادهای فرهنگی" و "بازنگری در نظام تعلیم و تربیت" زمینه‌ساز رفع آسیب‌ها و اصلاح آموزه‌های تربیتی و اخلاقی در خانواده و جامعه هستند.

این پژوهش تلاش دارد تا ضمن تبیین این آسیب‌ها و ارائه راهکارهای تربیت اخلاقی، راه‌های بهبود و رفع موانع را بر پایه آموزه‌های قرآنی و دینی و نیز مطالب متقن علمی روشن سازد. امید است نتایج این پژوهش گامی در جهت تقویت بنیان خانواده و ارتقای سطح تربیت نسل آینده در پرتو تعالیم انسان ساز اسلام باشد.

یافته‌های پژوهش

در ابتدا برای تسهیل در تبیین نقش آسیب‌ها در فرایند تربیت اخلاقی و ارائه راهکارهای اسلام برای رفع یا اصلاح این چالش‌ها لازم است با برخی از اصطلاحات کلیدی و پرتکرار در این پژوهش آشنا شویم.

الف) چیرگی آسیب‌شناسی: در این بحث برای تسهیل در تبیین نقش آسیب‌ها در فرایند تربیت اخلاقی و ارائه راهکارهای اسلام برای رفع یا اصلاح این چالش‌ها لازم است ابتدا با برخی از اصطلاحات کلیدی و پرتکرار در این پژوهش آشنا شویم.

آسیب‌شناسی موقعیتی و یا حالتی زیست‌شناختی است که در آن یک ارگانیسم از عملکرد صحیح یا مناسب منع شده است. (آ.اس. هورنای، ۱۳۸۲، ص. ۹۲)

درواقع آسیب‌شناسی به مطالعه و تحلیل نظام‌مند نارسایی‌ها، اختلال‌ها و عوامل ناکارآمد در ساختارها، فرایندها و کارکردهای انسانی و اجتماعی می‌پردازد. (شریعتمداری، ۱۳۸۵، ص. ۲۳)

آسیب‌شناسی در خانواده به دنبال شناسایی علل نقصان است تا با پیشگیری یا درمان به موقع و مناسب، از نابسامانی و واماندگی خانواده در رسیدن به اهداف سعادت‌آفرین جلوگیری نماید؛ چرا که شناسایی دقیق و به موقع آسیب‌ها در فرایند تربیت به اندازه پرداختن به نقاط قوت و کمال در نظام‌های تربیتی حائز اهمیت است. (رهبر، ۱۳۸۹، ص. ۱۶) از این رو می‌توان گفت آسیب‌شناسی در حوزه تعلیم و تربیت عبارت از شناسایی علمی نارسایی‌ها و رفع آن‌ها به انگیزه ارتقا و تحقق اهداف تربیتی است. (ملکی، بی‌تا، ص. ۵۵)



در نتیجه در آسیب شناسی تربیتی با بهره گیری از روش های عالمانه در یک فرایند تحلیلی و انتقادی، ضمن رفع کاستی ها و موانع تربیتی به بهبود و اجرای ضوابط و برنامه های درست و دقیق تربیتی می پردازیم.

ب) چپستی تربیت اخلاقی: تربیت اخلاقی با شناسایی مفاهیم تربیتی و ارائه معیارهای درست اخلاقی، زمینه شکوفایی و بروز رفتارهای اخلاقی را در افراد انسانی پدید می آورد.

در آثار بسیاری از اندیشمندان مسلمان، بحث از تربیت اخلاقی با تعبیری چون تأثیر گذاری تربیت بر اخلاق، درمان معضلات اخلاقی، تخلّق به اخلاق حسنه به چشم می خورد. (ابن سینا، ۱۴۰۴ق، الهیات شفا، ص. ۴۲۹؛ فارابی، ۱۴۰۵ق، ص. ۹۵-۹۷) و معتقدند آدمی در پرتو تربیت اخلاقی از صفات نکوهیده دور و به صفات پسندیده آراسته می شود و در ادامه راه به تدریج فضایل اخلاقی در نفس او رسوخ نموده و در او ملکه می گردد تا موجب سعادت و تعالی او گردد. (ابن مسکویه، ۱۳۹۶، ص. ۲۶۶-۲۶۷) مرتبان این حوزه در کنار آموزش بایدها و نبایدهای اخلاقی، برآند تا ضمن گرایش به ملکات اخلاقی، زمینه سعادت فردی و اجتماعی و نیز دنیوی و اخروی را فراهم سازند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ص. ۱۰۰)

لذا تربیت اخلاقی فرایندی است که با دریافت گزاره های اخلاقی و شناساندن فضایل و رذایل، زمینه روی آوردن به اخلاق حسنه به انگیزه ایجاد شخصیت اخلاقی و تحقق رفتارهای شایسته در عرصه های فردی و اجتماعی را فراهم می آورد. (مطهری، ۱۳۸۲، ص. ۸۳)

در نتیجه می توان گفت تربیت اخلاقی، برنامه ریزی برای رشد اخلاقی مترتبان در مسیر اسلام است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸، ص. ۲۶)

ج) جایگاه خانواده اسلام: خانواده با نقش محوری پدر و مادر ضمن فراهم نمودن زمینه رشد فردی فرزندان، اسباب پیشرفت و بالندگی اجتماعی آنها را نیز فراهم می نماید.

خانواده در اسلام نقش مهمی در پرورش فضایل اخلاقی و انتقال فرهنگ دینی ایفا می کند. خانواده به عنوان یک نهاد بنیادین، نقشی حیاتی در حفظ هویت معنوی افراد ایفا می کند و زمینه ساز رشد و تکامل شخصیت فردی و اجتماعی فرزندان است. در جوامع در حال توسعه، تحولات و دگرگونی های اجتماعی و اقتصادی بر ساختار زندگی آدمی تأثیر گذارده و موجب تغییرات ماهوی در روابط و وظایف افراد در خانواده گردیده است.

آن چه در این میان به ما در حفظ بنیان های خانوادگی و حرمت افراد در خانواده یاری می رساند، توجّه به آموزه های دینی در پاسداشت نقش های پدرانه و مادرانه از یک سو و حقّ فرزندان بر والدین از سوی دیگر است. (نهج البلاغه، حکمت ۳۹۹)

والدین موظفند فرزندان خود را با آموزه های دینی آشنا نموده و آنها را به سوی تقوا و پرهیزگاری هدایت کنند. همچنین، خانواده باید زمینه رشد روانی و اخلاقی فرزندان را فراهم سازند تا بتواند وظایف اخلاقی و دینی خود را به درستی بشناسد و به آن پای بند باشند.

تعارض در قول و فعل والدین، عدم پای بندی افراد خانواده به اصول اعتقادی و اخلاقی و عدم احترام متقابل والدین از جمله ویژگی هایی هستند که موجب پدید آمدن آسیب های هویتی و نفاق شخصیتی فرزندان می گردد و در آینده خود را به شکل ناهنجاری های کلان اجتماعی و تبعات زیان بار نشان می دهد. (شریعتمداری ۱۳۸۵، ص. ۹۲؛ مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ۱۳۸۲، ص. ۱۰۵)



۱- آسیب شناسی تربیت اخلاقی

آسیب شناسی تربیت اخلاقی به دنبال شناسایی و ارزیابی آسیب‌هایی است که اهداف و روش‌های این حوزه تربیتی را مختل می‌کند و در ادامه با سنجش میزان اثرگذاری منفی آن بر عملکرد مربی و اختلال رفتاری و اخلاقی مربی، درصد ارائه راهکارهایی برای بهبود و رفع موانع و مشکلات در فرایند تربیت اخلاقی است. در این مجال به برخی از این آسیب‌ها می‌پردازیم تا ضمن شناسایی آن‌ها، راه برون رفت از هریک از این آسیب‌ها را ارائه دهیم.

۱-۱ آسیب‌های درونی و خانوادگی

والدین نخستین الگوهای رفتاری هستند که در شکل‌گیری شخصیت و هویت فکری و اخلاقی فرزندان نقش بنیادی دارند؛ از این رو تعارض در طرز فکر و رفتار آنها می‌تواند آثار مخربی در تربیت فرزندان به جا گذارد و در نتیجه فرزندان جدی‌ترین قربانیان ناهماهنگی در رفتارهای نادرست والدین خواهند بود.

والدین موظف اند شرایط روحی و روانی آرامی برای فرزندان مهیا سازند و با روش‌های تربیتی صحیح، آن‌ها را برای ورود به جامعه و مواجهه با ناملایمات اجتماعی آماده کنند.

لذا ریشه بسیاری از نابسامانی‌های اجتماعی را باید در خانواده جستجو کرد؛ زیرا اگر خانواده با روش‌های تربیتی نادرست قادر به رفع دغدغه‌ها و نیازهای جسمی و روانی فرزندان نباشد، زمینه بروز آسیب‌هایی را فراهم می‌سازد که دامنه آن به بیرون خانواده نیز کشیده می‌شود.

از آنجا که شناخت علل پدیدآورنده آسیب‌های تربیت اخلاقی به اصلاح یا رفع آن‌ها می‌انجامد؛ در این بحث به ارزیابی برخی از جدی‌ترین آسیب‌های درون خانواده چون ضعف ایمان، روش‌های نادرست تربیتی، اختلافات خانوادگی و عدم توجه به مراحل رشد اخلاقی در خانواده می‌پردازیم.

۱-۱-۱ نقصان باور و معرفت دینی

درک عمیق والدین از مفاهیم دینی و مهارت ایشان در انتقال این باورها به فرزندان می‌تواند سنگ بنای تربیت دینی و اخلاقی آن‌ها را محکم سازد و در رهایی از تناقضات و لغزش‌های محتمل در زندگی فردی و اجتماعی یاری‌شان کند. در مقابل نیز ضعف و سستی باور و معرفت دینی والدین می‌تواند اثرات منفی و مخربی در آینده فرزندان به دنبال آورد. (شجاعی، ۱۳۹۰، ص ۱۰۴)

از این رو اسلام تقویت ایمان و معرفت دینی پدر و مادر را از ارکان بنیادین در تربیت فرزندان می‌داند و بر این توصیه است که فرزندان را در محیط دینی و اخلاقی پرورش دهند تا به جایگاه کمال اخلاقی و دینی برسند. (فرقان/۷۴)

البته تاثیرپذیری فرزندان از والدین در زمینه‌های دینی و اخلاقی بیشتر به صورت عملی و غیر مستقیم است و مواظبت والدین در رفتار و ثبات قدم ایشان در انجام وظایف دینی برای متریان پذیرفتنی تر بوده و آنها از والدین راحت‌تر بعنوان الگو می‌پذیرند. (بهشتی و نیکویی، ۱۳۸۹، ص ۱۶۲)

تساهل و کم توجهی برخی والدین در تربیت دینی فرزندان گاهی از عدم معرفت و ضعف ایمان آن‌ها ناشی می‌شود که سبب آسیب جدی در تربیت اخلاقی و دینی آنها می‌گردد. برخی والدین دغدغه‌ها و تنگناهای مادی و غم نان فرزندان را بر پرداختن



به هویت دینی و اخلاقی آنها ترجیح می دهند که در نتیجه سستی در باور و ضعف ایمان فرزندان را به دنبال می آورد. (عبداللهی، ۱۳۹۲، ص. ۹۹)

۲-۱-۱ شیوه های نامناسب تربیتی

عدم توجه پدر و مادر به اصول تربیتی صحیح می تواند به داشتن فرزندی فاقد تربیت مطلوب اخلاقی و دینی بیانجامد. گاه شیوه های نادرست تربیتی بویژه در عصر جدید، یک خانواده را دستخوش تحولات منفی نموده و به تربیت اخلاقی آن ها صبغه سکولاری داده است. به دنبال چنین شیوه هایی، باور فرزندان ممکن است با آموزه های دینی همسویی نداشته باشد و سبب بی رغبتی آن ها در انجام وظایف دینی و اخلاقی گردد.

از این رو اسلام والدین را به حفظ خانواده از آسیب های دینی و اخلاقی موظف کرده تا با روش های درست و بسامان تربیتی و جهت گیری های مناسب در این زمینه، نقش سازنده ای در سرنوشت فرزندان داشته باشند. (طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۲، ص. ۱۱۹؛ طباطبایی، ۱۳۷۹، ص. ۲۲)

شیوه های نادرست تربیتی والدین مانند تنبیه بدنی یا روانی با رویکرد سخت گیرانه می تواند موجب مشکلات روانی، اختلالات یادگیری و پرخاشگری در فرزندان گردد. (سیف، ۱۳۷۳، ص. ۳۹۷)

برخی از والدین نیز مفهوم تربیت فرزندان را صرفا به معنای فراهم نمودن دغدغه های مادی آن ها می دانند و از تامین نیازهای عاطفی و روانی آن ها غفلت می ورزند و معتقدند که با تامین رفاه افراد خانواده، وظیفه تربیت فرزندان به درستی انجام پذیرفته است، در حالی که خداوند در قرآن کریم ضمن توجه دادن به بُعد روحی و روانی فرزندان، والدین را به برخورد محترمانه و محبت آمیز با آن ها توصیه فرموده است. (بقره/۸۳)

درحقیقت فرزندی که نیازهای عاطفی و روانی آنها به درستی در خانواده اجابت نگردد، بیشتر در معرض پذیرش الگوهای نامناسب رفتاری در جامعه هستند و برای گشودن عقده های عاطفی و روانی خویش، ممکن است به ابراز محبت با مطامع سودجویانه پاسخ مثبت دهند. (علی پور، ۱۳۹۵، ص. ۲۳۶)

۳-۱-۱ اختلال در مناسبات خانوادگی

وجود ناسازگاری میان افراد یک خانواده اثر نامطلوبی در شرایط تربیتی و اخلاقی فرزندان به جا می گذارد و زمینه بسیاری از ناهنجاری های اجتماعی را فراهم می سازد. خانواده های دارای محیط گرم و دوستانه، فرزندان سالم تری پرورش می دهند و ریشه بسیاری از بالندگی های فردی و اجتماعی در روابط صمیمانه خانواده در کودکی است.

خانواده های پرتنش موجب تضعیف سطح امنیت و آرامش فرزندان از یک سو و نیز افزایش اضطراب در آن ها از سوی دیگر می شوند و زمینه نقص در مهارت های ارتباطی و اجتماعی فرزندان را فراهم می سازند.

در اسلام نیز به حفظ آرامش در خانواده و حل تعارضات میان افراد خانواده سفارش گردیده و در بروز اختلاف به تعیین میانجی مُنصف برای اصلاح امور و سازش میان افراد توصیه شده است. (نساء/۳۵)



فرزندان رشد یافته در خانواده های دارای اختلاف و تعارض میان پدر و مادر به دلیل عدم سازگاری در دیدگاه های تربیتی و اخلاقی میان والدین، دچار سردرگمی و تزلزل در تصمیم گیری های اخلاقی در روابط شخصی و اجتماعی خواهند شد. (مکری، ۱۳۷۴، ص. ۶۰)

همچنین ناسازگاری میان والدین سبب می گردد تا آن ها مجال و توان لازم را برای توجه به نیازهای عاطفی و تربیتی فرزندان نداشته باشند و گاه این سهل انگاری و غفلت، موجب پدید آمدن فاصله فکری و عاطفی فرزندان از آن ها و حتی فاصله مکانی و زیستی از پدر یا مادر است؛ از این رو در تعالیم دینی به والدین سفارش گردیده تا فرزندان را در کنار خویش رشد دهند و از محبت به آن ها دریغ نکنند. (نهج البلاغه، حکمت ۴۰۳)

در نتیجه استمرار و تعمیق اختلافات خانوادگی در تربیت اخلاقی فرزندان ممکن است روابط آن ها را با خانواده های جدیدشان و حتی در جامعه با مشکلات مشابه مواجه سازد و نتوانند زندگی موفق داشته باشند.

۴-۱-۱ غفلت از مراحل رشد اخلاقی فرزندان

به تغییراتی که در نوع نگرش فرزندان به مسائل اخلاقی و نیز تغییراتی که در چگونگی دلیل آوری آن ها در رد یا قبول احکام اخلاقی در خانواده ایجاد می شود، رشد اخلاقی می گویند. (احمدی، ۱۳۸۴، ص. ۳۱)

درحقیقت این تغییرات در ایجاد، تحول و درکی که فرزندان از کودکی تا بلوغ در زمینه تربیت اخلاقی دارند به والدین نشان می دهد که باید با همزمان با رشد جسمانی، به تحولات روانی و اخلاقی فرزندان نیز توجه نمود و با ابراز رضایت از رشد و بلوغ فکری و اخلاقی فرزندان در هر دوره به تمجید و ستایش آن ها پرداخت.

تعامل عاطفی مستمر والدین با فرزندان و ابراز واکنش های متناسب با کنش های اخلاقی آن ها در سنین مختلف می تواند زمینه رشد اخلاقی و روانی آنها را هموار نموده و از احتمال بروز تنش های اخلاقی بکاهد.

عدم توجه والدین به رشد هویتی و اخلاقی فرزندان موجب سردرگمی و حیرت اخلاقی آن ها در مسیر رشد گردیده و ایشان را در مواجهه با بحران های فردی و اجتماعی در آینده تضعیف می کند. (پاول و دیگران، ۱۳۷۳، ص. ۷۶)

غفلت والدین از مراحل رشد اخلاقی فرزندان سبب می شود تا فرزندان در هر یک از مراحل رشد اخلاقی تربیت موثری نداشته نباشند. با توجه به این که فرزندان در هریک از مراحل رشد نیازمند توجه خاص پدر و مادر در آن دوره هستند، این غفلت از رشد روانی و اخلاقی آن ها در مثلاً نوجوانی، بلوغ و جوانی آسیب های مخربی را در هویت اخلاقی آن ها پدید می آورد. (عصاره و دیگران، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۱)

۲-۱ آسیب های بیرونی و اجتماعی

آسیب های بیرونی و اجتماعی به آن دسته از ناهنجاری های رفتاری و اخلاقی اطلاق می شود که افراد یک جامعه را درگیر نموده و بی نظمی ها و ناملایمات اجتماعی را پدید می آورد که ممکن است با منع حقوقی و تقبیح اجتماعی مواجه گردد. هر جامعه ای متناسب با سطح فرهنگی و کارآمدی نظام آموزشی و تربیتی خود با برخی از آسیب های اجتماعی دست و پنجه نرم می کند و در نتیجه سبب واماندگی آن جامعه از رشد و ترقی در عرصه های تربیتی می گردد.



لذا آسیب شناسی اجتماعی درصدد است با ارائه راهکارهای معرفتی و تربیتی، زمینه اصلاح یا رفع این موانع را فراهم سازد و با بیان راه حل های مقبول برای اصلاح شرایط اجتماعی از وظایف آسیب شناسی اجتماعی تلاش نماید. (جمالی و دیگران، ۱۳۹۸، ص: ۱۵۳)

آسیب های بیرونی و اجتماعی یکی از مهمترین معضلاتی اند که خارج از چارچوب خانواده در حوزه های فرهنگی، آموزشی و اقتصادی بر تربیت اخلاقی فرزندان اثر می گذارند که در این میان موانعی چون رسانه، محیط نامناسب، دوستان ناباب، فقر و بیکاری از مهم ترین آنها محسوب می شوند که در ادامه به برخی از آنها می پردازیم.

۱-۲-۱ رسانه ها و شبکه های اجتماعی

فضای مجازی به فضایی اطلاق می شود که بدون در نظر گرفتن بُعد زمان و مکان، تعاملات اجتماعی میان فرهنگ های مختلف را از طریق فناوری های نوین امکان پذیر می سازد. امروزه این فضا تأثیر فزاینده ای بر زندگی افراد داشته و در تربیت اخلاقی فرزندان نقش مهمی ایفا می نماید. (خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰، ص: ۷۶)

اگرچه دسترسی آسان به انواع رسانه ها، فرصتی برای آگاهی و یادگیری فراهم آورده است؛ اما این فضا می تواند به طور همزمان به عنوان یک آسیب بیرونی در تربیت اخلاقی نیز محسوب شود؛ لذا آسیب شبکه های اجتماعی نوظهور که با فناوری های نوین پدید می آیند، انکارناپذیر است.

یکی از تأثیرات منفی رسانه و فضای مجازی، کاهش فرصت با خانواده بودن و کم شدن تعاملات واقعی با اعضای خانواده است که به دنبال آن، روابط عاطفی و روانی میان والدین و فرزندان رنگ می بازد. در نتیجه والدین ممکن است به درستی قادر به نظارت و هدایت موثر فرزندان خود نباشند.

یکی از بزرگترین آسیب های رسانه و فضای مجازی در تربیت اخلاقی فرزندان این است که بسیاری از محتواهای دیجیتال و اینترنتی در فضای مجازی، رویکرد اخلاق مدارانه نداشته و ممکن است به ترویج رفتارهای نامناسب اجتماعی و اخلاقی مانند پرخاشگری، دروغگویی، یا بی احترامی به دیگران بپردازد و تقلید نوجوانان و جوانان از آنها می تواند سبب افزایش رفتارهای پرخاشگرانه و کاهش حساسیت اخلاقی، تشویق به فردگرایی و حتی بی دینی در میان آنها گردد. (گلشنی، ۱۳۹۳، ص: ۷۸)

با توجه به مغایرت اندیشه های غربی با باورها و ارزش های اخلاقی، تربیتی و دینی ما ممکن است جوانان برخی از شخصیت های غیرموجهه و یا رفتارهای غیرمناسب آنها را به عنوان الگوهای زندگی خویش بپذیرند و در روش های تربیتی و اخلاقی شان انحراف پدید آید. (عاملی، ۱۳۸۹، ص: ۲۹)

همچنین فضای مجازی می تواند بر توانمندی های اجتماعی فرزندان نیز تأثیر منفی بگذارد. جوانانی که بیشتر وقت خود را در فضای مجازی سپری می کنند، ممکن است در مواجهه با چالش های اجتماعی در دنیای واقعی دچار مشکلاتی مانند کمبود اعتماد به نفس، اضطراب اجتماعی و ضعف در مهارت های ارتباطی گردند و در ادامه به تضعیف اصول اخلاقی مانند همکاری، احترام و مسئولیت پذیری منجر شود. (ستارزاده، ۱۳۸۶، ص: ۲۳)

البته باید به این نکته نیز توجه داشت که در کنار آسیب های رسانه و شبکه های اینترنتی مانند تعارض ارزش ها، اعتیاد به اینترنت، بحران هویتی و اختلال شخصیتی، شکاف نسل ها و انزواگرایی، انحرافات اخلاقی و جنسی، رنگ باختن حریم خصوصی و تضعیف بنیان خانواده؛ امکان بهره برداری و سود جستن از این فضا با پیامدهای مثبت و نتایجی چون فضای سایبری، آسان سازی ارتباطات، سرعت بخشی به تبادل اطلاعات، رشد علم و خلاقیت در عرصه های گوناگون نیز وجود دارد.



از این رو همان گونه که پیشبرد اهداف زندگی طبیعی انسان در عرصه‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی نیازمند بهره‌مندی از فرهنگ برخاسته از عرف، شرع، اخلاق و حتی عوامل اقتصادی است تا شرایط یک زیست خردپسندانه را فراهم سازد؛ در فضای مجازی نیز نیازمند چنین فرهنگی برای مصونیت از آسیب‌های این فضا هستیم و والدین باید با نظارت دقیق و آگاهانه بر استفاده فرزندان از رسانه و فضای مجازی نظارت داشته و توجه ویژه نمایند.

۲-۲-۱ نظام آموزشی و تربیتی کم بازده

نظام آموزش و پرورش در هر جامعه موظف به پرورش دانش‌آموزان و ارائه کارکردهای مؤثر اجتماعی و تحول راهبردی در راستای تحقق جهت‌گیری‌های تربیتی و فرهنگی آن جامعه است. (کریمی، ۱۳۸۱، ص. ۳۷)

لذا محیط آموزشی ناکارآمد یکی از مهمترین عوامل آسیب‌های بیرونی و اجتماعی در تربیت اخلاقی فرزندان است. ضعف نهادهای تربیتی و فرهنگی در یک جامعه می‌تواند به نتایج منفی چون بی‌ثباتی ارزش‌ها، ترویج رقابت‌های ناسالم، بی‌عدالتی آموزشی و پرورشی و فقدان الگویابی اجتماعی بیانجامد.

نظام آموزشی و پرورشی ما با اقتباس از سایر نظام‌ها، دارای روشی سنتی و القایی در حوزه‌ی اندیشه و تربیت است که بدون اتکا به مبنای نظری منسجم و صرفاً با انتقال معلومات مبتنی بر چارچوب کتب درسی و بدون توجه به فرصت‌های یادگیری در مدارس و مراکز آموزشی پیاده می‌گردد. (مهرمحمدی، ۱۳۷۵، ص. ۱۲۰)

درحقیقت روش‌های آموزشی درعقلانی کردن نگرش دانش‌آموزان و ترویج تفکر علمی نقش اساسی دارد و فقدان برنامه‌های آموزشی مناسب و عدم همخوانی آن در جهت‌گیری‌های علمی از آسیب‌های جدی در نظام‌های آموزشی و تربیتی ما محسوب می‌گردد. (سلسبیلی، ۱۳۸۰، ص. ۲۷)

از آن جا که بیشتر مراکز آموزشی بر موضوعات علمی و تحصیلی تمرکز دارند، ممکن است از آموزش مهارت‌های زندگی و اصول اخلاقی غفلت ورزند و در نتیجه دانش‌آموزان فرصت کافی برای آشنایی با مفاهیم اخلاقی چون احترام به دیگران، صداقت، مسئولیت‌پذیری و همدلی را نداشته باشند؛ در نتیجه این خلاء اخلاقی تأثیر منفی بر تربیت اخلاقی آن‌ها خواهد داشت. (قوام، ۱۳۸۱، ص. ۳۴)

مادام که توجه به اخلاقیات و تعاملات اجتماعی در محیط‌های آموزشی کم‌رنگ باشد، دانش‌آموزان قادر به توسعه مهارت‌هایی چون همکاری، گفت‌وگو، احترام به تفاوت‌ها و سلاقی و حل تعارضات نخواهند بود. به علاوه، درچنین محیطی تمرکز بیش از حد بر رقابت‌های تحصیلی و مدرک‌گرایی ممکن است موجب کاهش تعاملات مثبت دانش‌آموزان گردد و بر نحوه شکل‌گیری روابط اجتماعی آنها تأثیر منفی گذارد. (معیری، ۱۳۷۸، ص. ۴۵)

همچنین در چنین نظام آموزشی نظارت خانواده‌ها و آگاهی مداوم از وضعیت آموزشی و تربیتی فرزندان مختل و آسیب‌های اجتماعی و اخلاقی تشدید می‌شود؛ چرا که مدارس باید به طور مستمر با والدین ارتباط برقرار نموده و اطلاعات دقیق درباره پیشرفت تحصیلی و اجتماعی فرزندان ارائه دهند و غفلت از این امر می‌تواند به تأثیرات منفی بر تربیت اخلاقی فرزندان منجر گردد. (مارشال، ۱۳۹۵، ص. ۷۷)

پس نظام آموزشی ضعیف و ضعف در آموزش‌های اخلاقی، کمبود مهارت‌های اجتماعی، روابط نامناسب معلم و دانش‌آموز و عدم نظارت مؤثر خانواده‌ها از جمله عواملی هستند که می‌توانند به تربیت اخلاقی فرزندان آسیب برسانند و ایجاد یک محیط آموزشی سالم و مؤثر با تمرکز بر ارزش‌های اخلاقی و تربیتی به رشد شخصیت اخلاقی و تربیت دانش‌آموزان کمک می‌نماید.



۳-۲-۱ گروه همسالان و دوستان ناموافق

میل معاشرت با دیگران در وجود انسان نهاده شده و این نیاز به صورت فطری از کودکی تا کهنسالی همواره با او است. از این رو همراهی یک رفیق موافق و هم‌رأی اسباب مسرت و شادی انسان را فراهم می‌آورد. در روابط انسانی، انتخاب دوست مناسب ممکن است زندگی فرد را به سوی رشد و موفقیت پیش برد و نیز هم‌نشینی با افراد نامناسب پیامدهای منفی و جبران‌ناپذیری داشته باشد.

گاهی جمع دوستان هر فرد، می‌تواند مبنای قضاوت دیگران نسبت به خُلق و خوی، هویت و افکار او باشد و تأثیر عملکرد همسالان در باورهای دینی و اجتماعی افراد نیز چالش برانگیز باشد. (موسوی، ۱۳۹۰، ص. ۶۵)

در تعالیم دینی نیز به اهمیت معاشرت و هم‌نشینی اشاره شده و افراد را از رفاقت با کسانی که افکار و اعمالشان ناپسند است، برحذر داشته‌اند. (فرقان / ۲۸-۲۹؛ نهج البلاغه، نامه ۴۹)

زیرا در دوستی و معاشرت با دیگران، امکان پدید آمدن ارادت و شیفتگی امکان‌پذیر است تا بدانجا که یک رفیق ناموافق می‌تواند سبب تغییر در اندیشه و باور فرد گردد و او را تا مرز انحطاط و تباهی پیش برد. (مطهری، ۱۳۷۲، ص. ۱۲۰)

بی‌انگیزگی برای تلاش و یادگیری و تمایل به شکستن قانون حاکم بر محیط‌های اجتماعی از دیگر آسیب‌های اجتماعی دوستی با همسالان ناموافق است. هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به هم‌نویان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود. (سخاوت، ۱۳۷۴، ص. ۱۲۱)

همچنین در گروه‌های دوستانه که الگوهای رفتاری نامناسب رواج دارد، نوجوانان ممکن است تحت فشار قرار گرفته و به طور عمدی یا ناخواسته کارهایی را انجام دهند که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر تربیت اخلاقی آنها تأثیر منفی گذارد.

در گروه‌هایی که دوستان ناباب حضور دارند، ممکن است نوجوانان برای جلب توجه یا احساس تعلق به گروه، از قوانین اجتماعی و خانوادگی سرپیچی نمایند که به مرور به کاهش احترام به قوانین و اصول اخلاقی در خانواده، محیط‌های آموزشی و حتی جامعه منجر می‌شود و این الگو برداری حتی فرزندان را به انزوا و دوری از خانواده می‌کشاند.

نظارت والدین می‌تواند به عنوان یک عامل پیشگیرانه در کاهش آسیب‌های ناشی از دوستان ناباب عمل کند و از انحرافات اخلاقی جلوگیری نماید. از این رو برای پیشگیری از چنین آسیب‌هایی والدین موظفند تا باحالت کنترلی و مراقبتی، آمد و شد و معاشرت آن‌ها را به صورت غیرمستقیم زیر نظر داشته باشند تا بتوانند آن‌ها را از بسیاری از خطرات احتمالی نجات دهند. (قائمی، ۱۳۷۸، ص. ۹۷)

۴-۲-۱ اقتصاد و سبک زندگی مادی‌گرا

اقتصاد و سبک زندگی مادی‌گرا به عنوان یکی از آسیب‌های بیرونی و اجتماعی در تربیت اخلاقی فرزندان، می‌تواند اثرات منفی بر اصول اخلاقی و انسانی آن‌ها، از جمله کاهش فرصت‌های آموزشی، آسیب به روابط خانوادگی، کاهش روحیه و انگیزه اخلاقی، و ضعف در شایستگی‌های اجتماعی گذارد.

از آنجا که رفتارهای انسان ملاک تعیین شخصیت اوست؛ بنابراین اگر انتخاب سبک زندگی انسان، رفتارها و احساسات وی براساس آرمان‌ها و اصول دین پایه‌ریزی شود، سبک زندگی او اسلامی می‌گردد. (کاویانی، ۱۳۹۱، ص. ۴۶)



اما سبک زندگی مادی گرا یکی از مهمترین عواملی است که می تواند تأثیرات منفی بر تربیت اخلاقی فرزندان داشته باشد. در جوامع مصرف گرا، افراد با مفاهیم ثروت، موفقیت های مالی و رفاه مادی بیش از نیاز انسانی روبه رو می شوند. تمایل به مصرف گرایی، ترویج فردگرایی، کاهش توجه به ارزشهای معنوی، تأثیرات منفی رسانه ها و تبلیغات و تمرکز بر ظاهر می تواند فرزندان را از مسیر تربیت اخلاقی دور کرده و آنها را به سمت الگوهای رفتاری غیراخلاقی سوق دهد؛ بنابراین، مهم است که در کنار تربیت مادی، توجه به ارزش های اخلاقی و انسانی در جوامع تقویت شود. (رزاقی، ۱۳۷۴، ص. ۳۵)

در جوامع مادیگرا رقابت برای دستیابی به ثروت به عنوان هدف اصلی زندگی سبب می شود تا مادیات مهمترین عامل در سنجش موفقیت و سعادت تلقی شود. در نتیجه این نگرش موجب تضعیف ارزش های اخلاقی و انسانی می گردد و افراد به جای تمرکز بر خصایل انسانی چون صداقت، همدلی و همکاری به کسب قدرت اقتصادی و اجتماعی بیاندیشند. (سیدی نیا، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۲)

یکی دیگر از پیامدهای سبک زندگی مادیگرا، ترویج فردگرایی به جای زیست اجتماعی است. در جوامع ثروت محور، افراد از ارزشهای اجتماعی فاصله گرفته و به دنبال منافع شخصی خود هستند و روحیه همکاری، همبستگی و مسئولیت پذیری اجتماعی در آنها کاهش می یابد. (هاشم زاده، ۱۳۹۷، ص. ۱۵۰)

همچنین شرایط اقتصادی دشوار ممکن است والدین را از فراهم آوردن لوازم نیازهای اساسی فرزندان در زمینه آموزش، بهداشت و حتی نیازهای روانی و عاطفی باز بدارد؛ به گونه ای که خانواده قادر به تأمین هزینه های رشد فردی و اجتماعی آنها نبوده و در نتیجه به کاهش فرصت های فردی و اجتماعی فرزندان می انجامد.

فشارهای اقتصادی حتی ممکن است موجب ایجاد تنش های داخلی در خانواده ها و بی توجهی به تربیت اخلاقی و دینی فرزندان شود و فرزندان بیشتر در معرض انحرافات اجتماعی و اخلاقی قرار گیرند. از این رو برپایی عدالت اقتصادی و اجتماعی در جامعه و تمهید اشتغال برای والدین، در استحکام بنیان خانواده ها و تقویت تربیت اخلاقی فرزندان و در نتیجه رشد اجتماعی آنها نقش آفرین است.

۲- راهکارهای پیشگیری و رفع آسیب ها

ارائه راهکارهای موثر و عملی بلکه برای مقابله با آسیب های تربیت اخلاقی و اصلاح آنها، سبب تقویت بنیادهای اخلاقی در خانواده و جامعه و اصلاح آسیب های درونی و بیرونی به ویژه در زمینه فرهنگی، اجتماعی و روانی است.

تربیت اخلاقی یکی از ارکان اساسی پرورش شخصیت افراد است و آسیب های مختلفی می توانند در فرآیند این تربیت تأثیر منفی بگذارد. در این راستا، پیشگیری از این آسیب ها و تلاش برای رفع آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در این مجال، راهکارهایی برای پیشگیری و رفع آسیب های تربیت اخلاقی معرفی شده است که به شرایط اجتماعی، دینی، اقتصادی و روانی نیز بستگی دارند. از جمله این راهکارها می توان به راهکارهای باورمند، راهکارهای روشمند و راهکارهای نظام مند اشاره نمود.



۱-۲ راهکارهای باورمند و اعتقادی

راهکارهای اعتقادی به عنوان یکی از راه حل‌های اساسی در پیشگیری و رفع آسیب‌های موجود در تربیت اخلاقی، نقش برجسته‌ای در شکل‌دهی به شخصیت فرد و بهبود رفتارهای اخلاقی او دارند. راهکارهای مبتنی بر اصول دینی و اعتقادی، موجب تقویت باورهای دینی و معنوی در فرزندان می‌گردد.

این راهکارها شامل تقویت باورهای دینی و معنوی در خانواده، واکاوی و الگوسازی در نظام اخلاق اسلامی و تربیت همسو و مبتنی بر فطرت الهی انسان هستند. این روش می‌تواند تأثیرات مثبت و پایداری در پیشگیری از آسیب‌های اخلاقی در فرزندان داشته باشد.

۱-۱-۲ تقویت باورهای دینی و معنوی خانواده

پیامبران غالباً در ابتدا انسان‌ها را به ایمان به خدا، نبوت و معاد دعوت و ایمان آنان را تقویت می‌کردند و سپس آن‌ها را به انجام کارهای نیک و تخلّق به مکارم اخلاق و اجتناب از کارهای زشت و رذایل اخلاقی دعوت می‌نمودند. والدین باید از دوران کودکی تصوّرات درست و لطیفی از خداوند به عنوان دوست مهربانی که همواره به ما یاری می‌رساند و خواسته‌های ما را اجابت می‌کند به فرزندان منتقل نمایند و هرگز آن‌ها را از خدا به عنوان یک موجود ناشناخته و مواخذه‌گر نترسانند. (شاتو، ۱۳۷۷، ص. ۱۴۵)

لذا با پیدایش روحیه دوستی با چنین خدایی در فرزندان، ایمان و معنویت آن‌ها تقویت گردیده و والدین می‌توانند با ترویج آموزه‌های دینی که بر مسئولیت‌پذیری در برابر خداوند تأکید دارد، فرزندان خود را نسبت به اعمالشان مقید و آگاه سازند. همچنین تقویت ایمان به عالم واپسین و حیات جاودانی پس از یاد مرگ، عامل مهمی است که گاه با مدح و گاه با نکوهش می‌تواند، به عنوان یک مراقب در فرد، او را به هنگام خطا و اشتباه نگاه دارد. گویا این باور به عنوان یک محافظ درونی افراد را به مراقبت بر اعمال و رفتار فردی و اجتماعی ترقیب و از بسیاری رذایل و مفاسد باز می‌دارد. (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص. ۶۹؛ امینی، ۱۴۰۱، ص. ۳۵-۳۶)

داشتن الگوهای ایمانی در محیط نیز یکی از راه‌های تقویت ایمان در فرزندان است؛ زیرا کودکان در چند سال نخست زندگی از والدین خویش الگوبرداری می‌کنند و با تقلید از الگوهایی که در اطرافشان وجود دارد و چگونگی ارتباط با خداوند و دینداری را از آن‌ها می‌آموزند که پایه‌های ایمان ورزی در آنها ایجاد و به مرور تقویت کند. (رفیعی محمدی، ۱۳۹۲، ص. ۶۳)

پس اهتمام والدین در تقویت ایمان فرزندان برای رفع آسیب‌های موجود در تربیت اخلاقی می‌تواند به شکل مؤثری آن‌ها را به سمت رفتارهای دینی سوق دهد و این فرآیند با توجه به چالش‌های پیش روی جوامع، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۲-۱-۲ واکاوی و الگوسازی در نظام اخلاق اسلامی

در نظام اخلاق اسلامی، رشد انسان در گرو معرفت به حضور دائم خدا است؛ انسان اخلاق‌مدار در اسلام همواره در روابط فردی و اجتماعی خود خدا را در نظر دارد.



بازشناسی و پیروی از این مکتب در فرآیند تربیت اخلاقی فرزندان، می تواند نقش مهمی در پیشگیری از آسیب های اخلاقی و رفع چالش ها و بحران های رفتاری موجود در جامعه داشته باشد. لذا آموزش مفاهیم اخلاقی به عنوان یک ضرورت مؤکد تا حد زیادی از ایجاد رفتارهای نادرست و آسیب های اخلاقی فرزندان جلوگیری می نماید. (امینی، ۱۳۸۸، ص. ۳۸)

یکی دیگر از منابع مهم در بازشناسی مکتب اخلاق اسلامی، توجه به سیره و سخنان پیامبر (ص) و ائمه (ع) به عنوان الگوهای برجسته اخلاقی و تربیتی است. (احزاب/ ۲۱) هنگامی که والدین الگوهای دینی را به فرزندان خود می شناسانند، در ذهن و روح کودک ثبت و به شکل گیری رفتارهای اخلاقی آن ها کمک می نماید.

همچنین والدین باید الگوهای اخلاقی را از گذشته تا کنون بازشناسند و سیره و روش زندگی آن ها را به فرزندان خود معرفی نمایند و خصوصیات شخصیتی و اخلاقی ایشان را برای جوانان تبیین نمایند. (دشتی، ۱۳۷۹، ص. ۱۳)

در قرآن کریم نیز تمثیل هایی از سرگذشت پیامبران و اقوام پیشین به صورت پندآموز آمده است. والدین می توانند ضمن آشنا نمودن فرزندان با قصص قرآنی و روایی، آن ها را به تأمل در سرنوشت پیشینیان و عبرت آموزی برای یافتن راه صحیح زندگی دعوت کنند. پس آشنایی با قصص قرآنی، روش مؤثری برای طرح معارف دینی و آموزه های اخلاقی است که می تواند در راستای اهداف والای هدایت و تربیت فرد و جامعه انسانی مدنظر قرار گیرد. (ملبویی، ۱۳۷۸، ص. ۲۵)

۳-۱-۲ تربیت همسو با سرشت الهی انسان

سرشت و طبیعت الهی انسان مانند بستری مناسب جهت پرورش و به فعلیت رساندن توانایی های تربیتی و اخلاقی او است و انسان با بهره بردن از فطرت خدادادی خویش، استعداد و قابلیت لازم را برای گام نهادن در مسیر سعادت و نیل به هدف آفرینش خویش به کار می گیرد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ص. ۱۸۶-۱۸۷)

همسویی تربیت با فطرت و سرشت الهی بر هم راستایی تربیت انسان با نیازهای فطری او دلالت دارد. براین اساس تعالیم دینی، انسان در درون خود گرایش فطری به فضائل اخلاقی و تنفر درونی از رذایل اخلاقی دارد.

تربیت همسو با فطرت انسان به معنای توجه به قابلیت های درونی و ویژگی های ذاتی هر فرد است. هر انسانی با یک استعداد و ظرفیت خاص خود به دنیا می آید و باید به گونه ای تأدیب گردد که این ظرفیت ها شکوفا شود و با درنظر گرفتن خواسته ها، علائق و استعدادهاش به سوی اهداف متعالی خویش سوق یابد. (مطهری، ۱۳۷۴، ج ۳، ص. ۴۵۴)

والدین و آموزگاران باید پس از شناسایی استعدادها و علایق کودکان و نوجوانان در جهت رشد و تربیت موثر، برنامه های هدفمندی داشته باشند تا فرزندان بتوانند در محیط های خانوادگی و آموزشی، آزادانه استعداد های خود را دریابند و در مسیر شکوفا سازی توانمندی های فطری خود از حمایت و تشویق والدین و جامعه نیز برخوردار گردند.

در این فرایند به توجه و تلاش مستمر از سوی فرد و جامعه نیاز است تا افراد به سمت توانایی ها و استعداد های سرشتی خود هدایت و در زندگی فردی و اجتماعی شکوفا گردند.

همسویی تربیت اخلاقی با فطرت، اصل مسلم تعلیم و تربیت دینی است و تربیت پذیری انسان و قابلیت او برای رسیدن به کمالات اخلاقی از جانب خداوند در نهاد انسان ها به ودیعه گذاشته شده است. (رهنمایی، ۱۳۸۸، ص. ۲۵۳)

اگر تربیت با فطرت آدمی سازگاری نداشته باشد و انسان از اصول فطری غافل شود، نه تنها نتایج مطلوب اخلاقی را نخواهد یافت، بلکه ممکن است به ناهنجاری های اخلاقی مبتلا گردد. پس تربیت نادرست و مغایر با فطرت الهی می تواند زمینه بروز آسیب های رفتاری و اخلاقی در فرد و جامعه را فراهم آورد.



از این رو، والدین و مربیان باید در تربیت فرزندان خود به این اصل توجه داشته باشند که نیازهای فطری کودکان را در نظر گیرند و براساس آن تربیت اخلاقی فرزندان را آغاز نمایند تا به نتایج مطلوب دست یابند.

۲-۲ راهکارهای روشمند و کاربردی

راهکارهای روشی و کاربردی مجموعه‌ای از روشهای اصولی است که با هدف تقویت رفتارهای اخلاقی و پیشگیری از آسیب‌های تربیتی در فرزندان به کار گرفته می‌شوند. این روش‌ها به ویژه در محیط‌های خانوادگی و آموزشی تأثیر انکارناپذیری بر شکل دهی رفتارهای اخلاقی و مثبت در فرزندان دارند.

راهکارهایی چون الگوبرداری از روش‌های تربیتی قرآن و سنت، گفت‌وگو و ارتباط مؤثر، تربیت مرحله ای و گام به گام به تنهایی یا در ترکیب با یکدیگر می‌توانند به شکل گیری رفتارهای اخلاقی در فرزندان منجر شود و آسیب‌های تربیتی آن‌ها را کاهش دهد.

۱-۲-۲ بهره گیری از الگوهای تربیتی قرآن و روایات

تربیت مبتنی بر قرآن و روایات به عنوان یکی از روش‌های تربیتی در پیشگیری و رفع آسیب‌های موجود در تربیت اخلاقی، سرشار از اصول، قواعد و روشهای تربیتی هستند که به تمام ابعاد وجودی انسان توجه نموده و سبب می‌گردد تا تربیت اخلاقی به طور کامل و متوازن با تمایلات و خواسته‌های درونی و طبیعی انسان شکل گیرد.

قرآن کریم یکی از مؤثرترین روش‌های تربیتی، ارائه الگوها عینی و اسوه‌های روشنی چون پیامبر(ص) می‌داند که مسلمانان می‌توانند با بهره گیری از گفتار و رفتار ایشان در مسیر زندگی، سعادت هر دو جهان را به دست آورند. (احزاب/۲۱)

از سوی دیگر احیای شیوه‌های تربیتی اهل بیت(ع) و کاربردی کردن آن در مسیر تربیت نسل جدید یکی از نیازهای مبرم والدین و مربیان تربیتی محسوب می‌گردد؛ زیرا پس از هدایت و تربیت الهی، کار هدایت و تربیت، به انبیا و اوصیای او سپرده شده و این بزرگواران واسطه فیض و رحمت خداوند هستند و فلسفه ضرورت وجودی ایشان انسان سازی است. (اسماعیلی یزدی ۱۳۹۰، ص ۶۳).

درحقیقت پیامبر(ص) و ائمه اطهار(ع) بعنوان واسطه‌های میان خدا و خلق، گفتار و کردارشان در بردارنده قوانین کامل الهی و تامین کننده صلاح و سعادت بشر است و بهترین مربیان نفوس مؤمنین هستند.

اگر روش‌های تربیتی قرآن و سنت در سطح خانواده و جامعه به طور گسترده به کار گرفته شود، می‌تواند به ایجاد جامعه‌ای منظم، اخلاقی و ارزش مدار بیانجامد و در پیشگیری و رفع آسیب‌های موجود در تربیت اخلاقی نقش آفرین باشد.

نتیجه الگوبرداری از روش‌های تربیتی قرآن و سنت، به ویژه در زمینه تربیت اخلاقی و دینی و به کارگیری این روش‌ها توسط والدین، مربیان و نهادهای آموزشی می‌تواند موجب اصلاح و تقویت مهارت‌های رفتاری و پیشگیری از آسیب‌های اخلاق فردی و اجتماعی گردد.



۲-۲-۲ تعامل کلامی کارآمد

یکی از مهمترین راهکارهای تربیتی در پیشگیری و رفع آسیب‌های تربیت اخلاقی، ایجاد فضای گفت و گو و ارتباط مؤثر میان والدین، مربیان و فرزندان است. ارتباط مؤثر بعنوان یک ابزار اساسی در تربیت اخلاقی، می‌تواند تأثیر بسزایی در تقویت فهم متقابل، توسعه مهارت‌های اجتماعی و اصلاح رفتارهای نادرست داشته باشد.

گفت و گو به عنوان یک روش مؤثر در تربیت اخلاقی، به طور مستقیم به کاهش آسیب‌های تربیتی کمک می‌کند و زمینه تقویت مهارت‌های اجتماعی و حل تعارضات خانوادگی و اجتماعی را فراهم می‌سازد. امروزه، خانواده‌ها و مراکز آموزشی باید بطور جدی از گفت و گو به عنوان ابزار اصلی در تربیت اخلاقی فرزندان استفاده نمایند. (ساعی، ۱۴۰۱، ص. ۳۰۱)

برقراری تعاملات کلامی به والدین کمک می‌کنند تا درک بهتری از افکار، احساسات و نیازهای فرزندان‌شان و شکل‌گیری شخصیت و نگرش آن‌ها تأثیر مثبتی داشته باشند. همچنین می‌تواند به افزایش انگیزه و شادی در فرزندان کمک کند.

والدین و آموزگاران می‌توانند با بکارگیری تکنیک‌های موثر کلامی، فرزندان را با اعتماد به نفس، مسئولیت پذیر و خوشبین پرورش دهند که قادر به مقابله با چالش‌های زندگی فردی و اجتماعی خویش باشند. (به پژوه، ۱۳۷۶، ص. ۴۴) قرآن کریم نیز به صراحت بر اهمیت این ارتباط مؤثر در اصلاح رفتار افراد تأکید دارد. (بقره/۲۶۳)

استفاده از این روش در چارچوب اصول تربیتی قرآن و سنت پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) می‌تواند به تحقق تربیت اخلاقی پایدار کمک نموده و آسیب‌های اجتماعی و فردی را کاهش دهد.

۳-۲-۲ تربیت مستمر و گام به گام

هرچند در تعلیم و تربیت گام به گام فرزندان، آموزگاران و مجموعه آموزشی و پرورشی نیز به کمک خانواده‌ها می‌شتابند؛ اما خانواده نخستین قدم را برداشته و جدی‌ترین نقش را در همراهی کودک، نوجوان و جوان ایفا می‌کند.

عموماً مراحل رشد و تربیت فرزندان از دوران کودکی و پس از تولد در نظر گرفته می‌شود؛ اما از دیدگاه برخی از اندیشمندان تربیت کودک از پیش از تولد و در دوران جنینی باید مورد توجه باشد. چنانچه برخی بر این باورند که انتخاب همسر شایسته، آداب معاشرت و مراقبت‌های لازم در دوران بارداری زمینه لازم برای تربیت صحیح فرزندان را فراهم می‌کند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج. ۳، ص. ۹۳)

اما تربیت به صورت جدی پس از تولد آغاز می‌گردد و از این نظر دوران طفولیت و کودکی دارای اهمیت خاصی است. کودکان همواره تمام لحظات زندگی خود را با خانواده و در کنار پدر و مادر می‌گذرانند و روحیه وابستگی و تأثیر پذیری از والدین بیشتر از هر زمان دیگری است. (صانعی، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۲)

در این دوران، والدین باید ضمن شکل دهی به رفتارهای ابتدایی فرزندان، با محبت و دلسوزی به آن‌ها اصول اخلاقی را آموزش دهند. به تدریج آن‌ها را با مفاهیم خوب و بد آشنا ساخته و کودکان را برای پذیرفتن آداب تربیت آمانده نمایند.

اما در دوران نوجوانی، فرزندان به تربیت اخلاقی بر مبنای توسعه توانایی‌های فکری و روابط اجتماعی نیاز دارند. در این دوره نوجوانان تا حدودی به استقلال می‌رسند و وارد مرحله پیچیده تری از رشد می‌گردند و دغدغه‌های اخلاقی و اجتماعی بیشتری پیش روی آن‌ها قرار می‌گیرد؛ لذا تعامل و احترام به نوجوانان، زمینه رشد و پویایی اخلاقی و تربیتی آن‌ها را فراهم می‌آورد.



در این دوره با توجه به اینکه فرزندان رشد و بالندگی می یابند و مراحل طفولیت و بی خبری را پشت سر می گذارند، روحیه همکاری و اطاعت پذیری از والدین در آن ها بیشتر می شود؛ از این رو مناسب ترین زمان برای پذیرفتن ارزش ها و پرهیز از ضدارزش ها به شمار می رود. (سیف و دیگران، ۱۳۸۲، ج ۱، ص. ۱۳۱)

آگاهی والدین از نحوه رفتار با فرزندانشان در سنین بلوغ تاثیر بسزایی در شکوفایی و رشد اجتماعی و فکری نوجوانان خواهد داشت. در این دوران نوجوانان، از دوران کودکی خود به دوران بزرگسالی گام بر می دارند و به دنبال یافتن شخصیت و هویت خود هستند تا کم کم از والدین خود مستقل شده و روابط اجتماعی را تجربه نمایند.

اما در جوانی، فرزندان به مرحله ای از رشد و بالندگی رسیده اند که می تواند بخشی از دشواری ها و سنگینی های اداره امور مربوط به خانواده را بر دوش بکشند. در این مرحله باید نوع نگرش والدین و اطرافیان نسبت به جوانان تغییر نماید؛ زیرا برای یک جوان این مرحله، دوران گم گشتگی نقش است و با وظایفی در قبال دیگران و جامعه روبه رو خواهد شد. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۵، ج ۲، ص. ۷۸۲)

در این مرحله باید بر ضرورت تقویت مسئولیت پذیری اخلاقی در جوانان تأکید گردد و روش تربیتی به گونه ای باشد که جوانان بتوانند در برابر فشارهای اجتماعی، تصمیمات درستی بگیرند.

۲-۳ راهکارهای نظام مند و مدیریتی

راهکارهای مدیریتی مجموعه ای از اقدامات سازمانی و نهادی است که با پیشگیری از آسیب های تربیتی و ارتقای رفتارهای اخلاقی در افراد شکل می گیرد و تأثیر بسزایی در پیشبرد اهداف تربیتی و اخلاقی فرد و جامعه دارد.

ایجاد سیاست های آموزشی منسجم، گنجاندن مهارت های زندگی در برنامه های آموزشی، ارزیابی مستمر عملکرد تربیتی، تقویت مشارکت خانواده ها، ایجاد محیط های تربیتی امن و حمایتی و ترویج اخلاق اجتماعی در سطح جامعه به طور مؤثر می تواند آسیب های اخلاقی موجود را کاهش و افراد را به سمت رفتارهای مثبت اخلاقی سوق دهد.

درحقیقت، ایجاد سازوکارهای مدیریتی و ساختاری مناسب به پذیرش تربیت اخلاقی در فضای گسترده ارتقای سطح رفتارهای اخلاقی در جامعه منجر گردد. در این راستا می توان به نظارت اجتماعی، همکاری با نهادهای فرهنگی و بازنگری در نظام آموزش و پرورش اشاره کرد.

۲-۳-۱ نظارت و رصد مناسبات اجتماعی

نظارت اجتماعی به روش هایی اطلاق می گردد که فرد را به انطباق با انتظارات افراد مشخص یا کل جامعه وادار می نماید که ممکن است به صورت رسمی یا غیررسمی باشد. (کوئن، ۱۳۷۲، ص. ۱۹۷)

در حقیقت نظارت اجتماعی نیرویی است که فرد را تشویق می کند تا به نحوی منطبق با شرایط پذیرفته شده رفتار کند و مانع از رفتاری خارج از پسند عمومی جامعه گردد و واکنش ناخوشایند اعضای جامعه را به دنبال نداشته باشد.

نظارت اجتماعی در جوامع سنتی عمدتاً به صورت غیررسمی است که طی آن رفتارهای اجتماعی قابل قبول از راه های مختلف مورد تشویق قرار گرفته و از رفتارهای اجتماعی غیرقابل قبول پرهیز داده می شود. اما نظارت رسمی غالباً توسط افراد یا نهادها و سازمان هایی که وظیفه نظارت دارند، انجام می پذیرد. (امیر کاوه، ۱۳۷۶، ص. ۴۶)



سیستم نظارتی اسلام ضمن پذیرفتن قواعد پاداش و جریمه دنیایی، عناصری چون ایمان مذهبی، پاداشهای معنوی و اخروی را به عنوان ضمانت‌های اجرایی مطرح می‌سازد که عاملی برای استمرار نظارت اجتماعی در بقای تمدن اسلامی به شمار می‌رود. (امیرکاوه، ۱۳۹۳، ص. ۲۹)

قرآن کریم نیز بر لزوم نظارت اجتماعی تأکید نموده و از مؤمنان می‌خواهد که مراقب رفتار یکدیگر باشند و از گمراهی جلوگیری کنند. (انفال / ۴۶)

نظارت اجتماعی نه تنها به عنوان ابزاری سبب کنترل و اصلاح رفتارهای فردی می‌گردد، بلکه به طور مؤثر در پیشگیری از مفاسد اخلاقی در سطح جامعه نیز ایفای نقش می‌کند.

در هر جامعه‌ای هنجارها و آداب و رسوم خاص آن جامعه مورد توجه قرار می‌گیرد و افراد با فراگیری آن ارزش‌ها به عضویت جامعه در می‌آیند. چنانچه فرد از ضوابط جامعه خود تخلف نماید و هنجارهای دیگری را مبنای رفتار خود قرار دهد، با بی‌توجهی و سرزنش و حتی برخورد عموم مردم مواجه می‌شود که به دنبال آن، فرد با اجبار اجتماعی، خود را موظف به انجام به ضوابط و هنجارهای آن جامعه می‌بیند. (دورکیم، ۱۳۷۳، ص. ۲۸-۲۹)

درحقیقت نظارت اجتماعی کنترل مناسبات اخلاقی در اسلام به عنوان یک ابزار ساختاری و مدیریتی می‌تواند در پیشگیری و رفع آسیب‌های تربیتی و اخلاقی نقش مؤثری ایفا نماید.

امروزه نیز نهادهای اجتماعی و فرهنگی برای کنترل و نظارت مناسب بر روابط اجتماعی و خانوادگی تلاش می‌کنند تا از بروز آسیب‌های اخلاقی جلوگیری نمایند.

۲-۳-۲ تقویت نهادهای فرهنگی و اجتماعی

نهادهای فرهنگی و اجتماعی در تربیت اخلاقی افراد جامعه نقش اساسی و حیاتی دارند. خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها و نهادهای حکومتی، همگی به عنوان عوامل مهم در شکل‌گیری اخلاق فردی و اجتماعی عمل می‌کنند. این نهادها با ارائه الگوهای رفتاری، ارزش‌ها و باورهای خاص، بر رفتار و اخلاق افراد تأثیر می‌گذارند و در تربیت اخلاقی آن‌ها نقش مهمی ایفا می‌کنند. نهادهای فرهنگی و اجتماعی باید به افراد کمک کنند تا ارزش‌های اخلاقی محترم شمرده شوند و ضمن ایجاد تعامل درست میان افراد و این نهادها، تربیت اخلاقی بر جامعه حاکم گردند و افراد با روحیه مسئولیت‌پذیر برای حل مشکلات جامعه تلاش نمایند و درنتیجه بر توفیقات فردی و اجتماعی بیافزایند.

از آن‌جا که فرهنگ یک جامعه، تجربه اندوخته و ارزشمندی است که از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌گردد؛ باید قدر سرمایه عظیم فرهنگی و اجتماعی‌مان را بیش از سرمایه‌های اقتصادی و مادی بدانیم. (تری یان‌دیس، ۱۳۸۳، ص. ۷۱)

از این رو، سیاست‌های کلان حمایتی از نهادهای فرهنگی و اجتماعی باید به گونه‌ای تنظیم گردد که مترقی بتواند نقشی را که در جامعه از او انتظار می‌رود، به خوبی ایفا نماید؛ زیرا ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی عمیق‌ترین تأثیر را در میزان شکوفایی استعدادهای انسان دارند.

از یک سو نهادهای فرهنگی و اجتماعی موظف‌اند تا در راستای ترویج و تحقق تربیت اخلاقی و دینی با یکدیگر تعامل و همکاری لازم را داشته باشند؛ زیرا هر یک از این نهادها برای دستیابی به رشد و کمال مادی و معنوی جامعه، مکمل یکدیگرند و هیچ نهادی به تنهایی و فارغ از تعامل با نهادهای دیگر قادر به رساندن جامعه به هدف والای خود نیست.

از سوی دیگر نیز نهادهای مدیریتی و حکومتی موظفند تا با تنظیم سیاست‌ها و خط‌مشی‌های صحیح، خود را ملزم به تقویت و برآوردن نیازهای مراکز فرهنگی و اجتماعی چون خانواده، مدارس، مساجد، مراکز آموزشی و رسانه‌ها، محافل مذهبی و



اجتماعات عمومی نمایند و برای پیشبرد اهداف متعالی اخلاقی و دینی و نیز رشد و توسعه همگانی از وجود نیروهای متعهد و متخصص در زمینه‌های گوناگون بهره ببرند.

حمایت‌های مدیریتی از نهادهای فرهنگی و اجتماعی شامل عملکردها و قانون‌گذاری‌های متعدد برای ارتقای سطح فعالیت، رشد و بقای این مرکز است و اقداماتی چون تامین منابع مالی و انسانی، آموزش و توسعه و همچنین حمایت‌های قانونی از آنها می‌تواند سبب تقویت نهادهای فرهنگی و اجتماعی گردد. (همایون و وزین‌پور، ۱۳۸۷، ص. ۱۴)

درحقیقت جامعه بدون وجود نهادهای فرهنگی و اجتماعی شکل نهایی به خود نمی‌گیرد و لازم است با پشتیبانی سازمان‌های مدیریتی به تقویت، حفظ و استمرار این نهادها نظارت کافی را داشته باشند؛ زیرا در این تعاملات و رسیدگی‌ها، هر یک از نهادها به هر دلیلی از وظایف اساسی خود سر باز زند یا بدون تعامل با دیگر نهادها به راه خود ادامه دهد، موجب انحراف یا سستی در مسیر تحقق آرمان‌های اخلاقی و دینی خواهد شد. (ضرابی، ۱۳۸۹، ص. ۳۵۲)

ارتقاء سطح این نهادها به عنوان ابزارهایی برای انتقال آموزه‌های دینی و تربیت اخلاقی، به تقویت اصول اخلاقی در خانواده‌ها و تمام بخش‌های جامعه می‌انجامد و از بروز آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی محتمل نیز جلوگیری می‌کند و با به دست آوردن مهارت‌های لازم برای تربیت نسل جدید، آنها را به اصول اخلاقی و دینی آموخته می‌نماید.

درنتیجه پشتیبانی از نهادهای فرهنگی و اجتماعی، به ویژه در زمینه تربیت اخلاقی، نقش اساسی در شکل‌گیری هویت افراد یک جامعه ایفا می‌کند و مدیران با برنامه ریزی‌های حمایتی و نظام مند خود باید درحوزه فعالیت‌های فرهنگی و تعاملات اجتماعی، به انتقال فرهنگ و تقویت ارزش‌های اجتماعی یاری رسانند.

۳-۳-۲ ساماندهی نظام تعلیم و تربیت

ساماندهی، بهبود و نظم بخشیدن به ساختار، فرآیندها و منابع آموزش و پرورش از اهمیت بالایی برخوردار است و نظام تعلیم و تربیت جامعه پایه اصلی توسعه فردی و اجتماعی آن جامعه محسوب می‌شود و در ارتقای سطح دانش، مهارت و آگاهی، توسعه اقتصاد و پیشرفت‌های علمی و فرهنگی آن جامعه نقش حیاتی دارد.

هدف آموزش و پرورش به عنوان یکی از مهمترین نهادهای اجتماعی در مسیر رشد و توسعه جوامع و نیز تحولات فردی و اجتماعی، آموزش و سرمایه‌گذاری آموزشی و همچنین کشف و توسعه منابع انسانی در جهت تعالی بخشی ارزشها و استعدادها است. دریک نگاه جامع، محور اصلاحات اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی در کلیه ممالک توسعه یافته، نظام تعلیم و تربیت آنها است. (حسینی و چهارمحالی، ۱۳۸۴، ص. ۶۸)

درحقیقت یکی از اصلی‌ترین راهکارهای ساختاری در تربیت اخلاقی، ایجاد سیاست‌های آموزشی و تربیتی منسجم و جامعی است که شامل برنامه ریزی آموزشی و تعریف اهداف تربیتی می‌گردد. مدارس و دیگر مؤسسات آموزشی باید سیاست‌های مشخص و هماهنگی در زمینه تربیت اخلاقی داشته باشند که نه تنها در سطح محتوایی، بلکه در سطح ساختاری و عملی نیز تضمین‌کننده اثرگذاری باشند.

توجه روزافزون به کیفیت و کمیت سطح تعلیم و تربیت به عنوان یکی از نمودهای توسعه و پیشرفت، امری ضروری و انکارناپذیر است. امروزه پیشرفت چشمگیر علم و فن آوری از یک سو و بی توجهی به آموزش‌های نوین و نیز غفلت ارتقاء سطح کیفی نیروی انسانی و از سوی دیگر، سبب ایجاد تنگناها و مشکلات عدیده‌ای در مسیر رشد و توسعه علمی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی



گردیده است. از این رو ارائه راهکارهای اجرایی در جهت اصلاح و ارتقا نظام آموزشی و پرورشی توسط مدیران نظام آموزشی و پرورشی لازم و ضروری است. (فریدون نژاد، ۱۴۰۲، ص ۱۲۷)

آموزش و پرورش موظف است زمینه ایجاد تغییر و تحولات لازم و متناسب با زندگی فردی و اجتماعی را فراهم سازد و با ارائه راهکار و شیوه‌های نوین علمی، عرصه را برای تغییرات سریع و پیشرفت جامعه آماده سازد. (شعاری نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۱۴)

طرح جامع تربیتی در نظام آموزش و پرورش اسلامی به عنوان یکی از راهکارهای مؤثر در پیشگیری و رفع آسیب‌های تربیت اخلاقی، باید به گونه ای باشد که جنبه های اخلاقی و تربیتی با بُعد علمی و فناورانه آن هم پوشانی داشته باشد.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف تبیین آسیب‌های تربیت اخلاقی فرزندان در خانواده و جامعه و نیز ارائه راهکارهای اساسی برای رفع آنها، درصدد برآمده تا خانواده را به عنوان نخستین و موثرترین نهاد تربیتی معرفی نماید.

یافته‌ها نشان می‌دهد که برخی مخاطرات و آسیب‌های درون خانوادگی چون "نقصان باورهای دینی"، "شیوه‌های نامناسب تربیتی" و "غفلت از مراحل رشد اخلاقی فرزندان" ریشه در ضعف مهارتی والدین دارد.

از سوی دیگر آسیب‌های برون خانوادگی مانند "تهاجم فرهنگی رسانه‌ها"، "آموزشی کم بازده" و "سبک زندگی مادی گرا" به عنوان چالش‌های اجتماعی، فرایند تربیت اخلاقی را با آسیب مواجه ساخته است.

برای رفع این آسیب‌ها، راهکارهای جامع و چند سطحی تربیتی ارائه گردید که راهکارهای "باورمند" با تاکید بر تقویت مبانی ایمانی و تربیتی همسو با فطرت و واکاوی نظام اخلاق اسلامی به عنوان زیربنای اصلاح تربیت اخلاقی به شمار می‌روند.

راهکارهای "روشمند" با ارائه الگوهای عینی از قرآن و سنت، ترویج تعامل کلامی کارآمد و تاکید بر استمرار تربیت در فرایند رشد به تثبیت ارزش‌های اخلاقی کمک می‌کنند.

در سطح "نظام مند" نیز تقویت نهادهای فرهنگی و اجتماعی، نظارت اجتماعی و بازنگری در نظام تعلیم و تربیت از جمله الزامات اصلاحی است که مورد توجه قرار گرفت.

درنهایت می‌توان دریافت که توفیق در تربیت نسل جوان و آینده ساز منوط به یک رویکرد یکپارچه، فعال و پیشگیرانه است که در آن خانواده براساس جهان بینی اسلامی نقش راهبردی خود را بازیابد و با تکیه بر بصیرت دینی و روش‌های تربیتی آگاهانه، مهمترین گام را در پیشگیری از انحطاط اخلاقی و تقویت سرمایه‌های معنوی یک جامعه بردارد.

البته نهادهای اجتماعی نیز مکلف هستند تا ضمن تلاش برای اصلاح آسیب‌های فراروی خود، به تقویت گفتمان اخلاقی خانواده یاری رسانند. تحقق این امر مستلزم هماهنگی نهاد خانواده، نظام تعلیم و تربیت، رسانه‌های اجتماعی و مدیریت درست فرهنگی است تا در پرتو ایمان، عقلانیت و اخلاق متعالی، جامعه را به سمت و سوی کمال و قرب الهی سوق دهند.



منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
آ. اس. هورنای (۱۳۸۲). فرهنگ پیشرفته آکسفورد، تهران: موسسه نشر جهان دانش.
ابن سینا، حسین (۱۴۰۴ق). الهیات شفا، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
ابن مسکویه، احمد بن محمد (۱۳۹۶). الرسائل والمکاتیب (ترتیب السعادات)، تهران: مرکز البحوث والدراسات للتراث المخطوط.
احمدی، سید احمد (۱۳۸۷). اصول و روش های تربیت در اسلام، اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
احمدی، محمدرضا (۱۳۸۴). فرایند شکل گیری رشد اخلاقی کودکان، معرفت، (۸۷)، ۳۴-۲۷.
اسماعیلی یزدی، عباس (۱۳۹۰). فرهنگ تربیت، قم: انتشارات دلیل ما.
امیر کاوه، سعید (۱۳۷۶). نظارت اجتماعی، معرفت، ۲۱ (۶)، ۴۹-۴۲.
امیر کاوه، سعید (۱۳۹۳). نظارت اجتماعی در اسلام، مبانی فقهی حقوقی/اسلامی، ۹ (۷)، ۳۴-۱۴.
امینی، ابراهیم (۱۳۸۸). آشنایی با اسلام، قم: بوستان کتاب.
امینی، ابراهیم (۱۴۰۱). اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب.
به پژو، احمد (۱۳۷۶). اصول و برقرار رابطه انسانی با کودک و نوجوان، تهران: رویش.
بهشتی، سعید؛ نیکویی، روشنگر (۱۳۸۹). کاوشهایی در باب فلسفه تربیت دینی از دیدگاه اسلام، روانشناسی تربیتی، ۱۸ (۶)، ۱۷۸-۱۵۳.
پاول، هنری ماسن و دیگران (۱۳۷۳). رشد و شخصیت کودک، (مهندس یاسایی، مترجم)، تهران: کتاب ماد.
تری یاندیس، هری. س. (۱۳۸۳). فرهنگ و رفتار اجتماعی، (نصرت فتی، مترجم)، تهران: نشر رسانه.
جان مارشال، ریو (۱۳۹۵). انگیزش و هیجان، (یحیی سید محمدی، مترجم)، تهران: ویرایش.
جمالی، مصطفی؛ جمالی، علیرضا (۱۳۹۸). مدل آسیب شناسی اجتماعی با رویکردی اسلامی، دوفصلنامه مطالعات اسلامی / آسیبهای اجتماعی، ۲ (۱)، ۱۶۴-۱۴۴.
حسینی، شمس الدین؛ چهارمحالی، اکبر (۱۳۸۴). اقتصاد، دانش و شکاف توسعه در ایران، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، (۱)، ۸۲-۵۵.
خانیکی، هادی؛ بابایی، محمود (۱۳۹۰). فضای سایبری و شبکه های اجتماعی (مفهوم و کارکردها)، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، ۱ (۱)، ۹۶-۷۱.
رزاقی، ابراهیم (۱۳۷۴). الگوی مصرف و تهاجم فرهنگی، تهران: شرکت چاپخش.
رفیعی محمدی، علی محمد (۱۳۹۲). بیست اصل در تربیت: اصول برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان، قم: انتشارات رسول اعظم (ص).
رهبر، الهه (۱۳۸۹). خانواده و نقش عملکرد آن در تربیت دینی، پیوند، (۳۷۷)، ۱۷-۱۵.
رهنمایی، سید احمد (۱۳۸۸). درآمدی بر فلسفه ی تعلیم و تربیت، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
دشتی، محمد (۱۳۷۹). الگوهای رفتاری امام علی (ع)، قم: موسسه تحقیقاتی امیرالمومنین (ع).
دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۷۵). روان شناسی رشد؛ با نگرش به منابع اسلامی، (ج ۲)، تهران: انتشارات سمت.
دورکیم، امیل (۱۳۷۳). قواعد روش جامعه شناسی، (علی محمد کاردان، مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



- ساعی، منصور (۱۴۰۱). الگوهای ارتباطات میان فردی والدین و فرزندان در خانواده، *فصلنامه مطالعات فرهنگ ارتباطات*، ۲۳ (۵۸)، ۲۹۷-۳۲۷.
- ستارزاده، داود (۱۳۸۶). بررسی عوامل اجتماعی موثر بر اعتیاد به اینترنت و پیامدهای آن، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۳ (۱۴)، ۱۲۰-۱۴۲.
- سقاوت، جعفر (۱۳۷۴). جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: پیام نور.
- سلسیلی، نادر (۱۳۸۰). ارائه یک الگوی راهنما برای کاربرد دیدگاه‌های برنامه درسی با تأکید بر دوره متوسطه، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۶۸ (۷)، ۴۳-۷.
- سیدی نیا، سید اکبر (۱۳۸۸). مصرف و مصرف‌گرایی از منظر اسلام و جامعه شناسی اقتصادی، *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۳۴ (۳)، ۱۵۲-۱۵۱.
- سیف، سوسن و دیگران (۱۳۸۲). روان شناسی رشد، (ج ۱)، تهران: سمت.
- سیف، علی اکبر (۱۳۷۳). تغییر رفتار و رفتار درمانی، تهران: انتشارات دوران.
- سیدمحمد شجاعی (۱۳۹۰). آسیب شناسی تربیت اخلاقی در اسلام، قم: انتشارات حوزه علمیه.
- شاتو، ژان (۱۳۷۷). مربیان بزرگ، (غلامحسین شکوهی، مترجم) تهران: دانشگاه تهران.
- شریعتمداری، علی (۱۳۸۵). اصول فلسفه تعلیم و تربیت، تهران: امیرکبیر.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۷۶). فلسفه آموزش و پرورش. تهران: امیرکبیر.
- صانعی، سیدمهدی (۱۳۸۰). پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، تهران: انتشارات سناباد.
- ضرابی، عبدالرضا (۱۳۸۹). جامعه شناسی تربیت دینی، قم: موسسه آموزشی امام خمینی (ره).
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۹). شیعه در اسلام، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن، (ج ۵ و ۱۶)، (سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مترجم)، قم: جامعه مدرسین.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، (ج ۲)، بیروت: دارالمعرفه للطباعة و النشر.
- عاملی، سعیدرضا (۱۳۸۹). امپراتوری مجازی و قدرت نرم، تهران: امیرکبیر.
- عبداللهی، محمد اسماعیل (۱۳۹۲). سبک زندگی قرآنی، کوثر، ۹۷، ۱۱۲-۹۷.
- عصاره، علیرضا؛ مهدیزاده تهرانی، آیدین؛ امینی زرین، علیرضا و عظیمی، شادی (۱۳۹۷). نقدی بر نظریه رشد قضاوت اخلاقی لارنس کلبیگ: پژوهشی در بررسی چند جنبه نظریه کلبیگ و ارائه رهنمودی درباره مراحل رشد او، *فصلنامه تعلیم و تربیت*، ۳۴ (۲)، ۹۳-۱۱۲.
- علی پور، مصطفی (۱۳۹۵). روانشناسی تربیتی در اسلام، تهران: انتشارات سمت.
- فارابی، ابو نصر (۱۴۰۵ق). الجمع بین رأیی الحکمین، تهران: مکتبه الزهرا.
- فریدون نژاد، مژگان (۱۴۰۲). تحلیل و بررسی راهکارهای ارتقای سطح کیفیت در نظام تعلیم و تربیت با تکیه بر سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، *فصلنامه تحقیقات راهبردی در تعلیم و آموزش و پرورش*، سال اول، (۱)، ۱۱۷-۱۳۳.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). المحجۃ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، (ج ۳)، قم: موسسه نشر الاسلامی.
- قائمی، علی (۱۳۷۸). شناخت، هدایت و تربیت نوجوان و جوان، تهران: انتشارات امیری.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۸۱). اصلاحات در آموزش و پرورش؛ هم‌اندیشی و مصاحبه با صاحب نظران و متخصصان. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.



- کاویانی آرانی، محمد (۱۳۹۱). سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۱). آموزش به مثابه پرورش، تهران: انتشارات پژوهشگاه تعلیم و تربیت. - کوئن، برس (۱۳۷۲). مبانی جامعه شناسی، (غلامعباس توسلی و رضا فاضلی، مترجمان) تهران: انتشارات سمت.
- گلشنی، مهدی (۱۳۹۳). تاثیر رسانه های نوین بر تربیت اخلاقی، *فصلنامه مطالعات فرهنگی و رسانه ای اسلامی*، (۸)، ۷۵-۹۰.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸). تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). دروس فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام، تهران: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۴). مجموعه آثار، (ج ۳)، تهران: انتشارات صدرا.
- معیری، محمد طاهر (۱۳۷۸). بچه های خوب پرورش بد، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مکری، سیاوش (۱۳۷۴). تاثیر مشاجره و نزاع والدین در اختلافات رفتاری فرزندان، *رشد معلم*، (۱۱۴)، ۶۰-۶۱.
- ملبویی، محمد تقی (۱۳۷۸). روان شناسی قصه در قرآن، *کتاب ماه مهر*، (۱۲)، ۲۴ - ۲۹.
- ملکی، حسین (بی تا). آسیب شناسی دینی در نظام آموزشی ایران، *فصلنامه تعلیم و تربیت اسلامی*، سال ششم، (۲)، ۵۳-۷۲.
- موسوی، سید رضا (۱۳۹۰). روانشناسی تربیتی با رویکرد اسلامی، تهران: انتشارات سمت.
- مهر محمدی، محمود (۱۳۷۵). بررسی تطبیقی نظام برنامه ریزی درسی در جمهوری اسلامی ایران و جمهوری فدرال آلمان، *فصلنامه پژوهشگاه تعلیم و تربیت*، (۲)، ۹۵-۱۲۲.
- مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۷۸). دین و سبک زندگی اسلامی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- هاشم زاده، سیدعلی اصغر (۱۳۹۷). اثرات مصرف گرایی بر هویت اخلاقی فردی با تکیه بر سبک زندگی ایرانیان، *اخلاق*، ۳۲ (۵۴)، ۱۴۷-۱۶۶.
- همایون، محمد هادی؛ وزین پور، نادر (۱۳۸۷). درآمدی بر مفهوم و روش سیاست گذاری فرهنگی درس هایی برای سیاست گذاران، *فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی*، ۲ (۴)، ۵-۳۵.



Pathology of moral education of children in the family and solutions to eliminate it from the perspective of Islam

Manijeh Ameli² (man.ameli@znu.ac.ir)

Abstract

The moral education of children is one of the most important duties of the family in the Islamic educational system, which plays a vital role in the formation of their religious identity and lays the foundation for maintaining the moral and educational health of individuals in society.

With due attention in the present era, cultural and social challenges and harms cause educational and moral disorders in the family; this research, using a descriptive-analytical method, seeks to analyze the pathology of moral education in the family in order to identify the causes of deficiencies and provide preventive solutions for the appropriate treatment of harms in the process of moral education of children.

In general, harms arise in two forms: "intera" and "extra" family. Lack of religious belief and knowledge, incorrect educational methods, family disputes, and neglect of the stages of children's moral development are among the internal harms that cause disruption in moral education. Many external harms also arise from the influence of media and social network, weakness of the educational system, bad friends, and a materialistic lifestyle.

Islam in the face of these challenges, has proceeded effective and practical solutions that are "believer", "methodical", and "systematical" can improve their be education in the family and society.

The results of this study indicate that returning to the principles of Islamic education and harmony between the family, educational institutions, and social policies can lead to the moral education among the people of society.

Namely, the effective moral education depends on comprehensive cooperation based on the Islamic ethics in society, which places the "family" at the center of attention.

Keywords

Moral education, pathology, family, Islam, external harms, educational solutions

²- Assistant Pffessor f Islamic Studies ,The university of Zanjan